

## عنوان مقاله:

بلاغت مخاطب و گفتگوی با متن

## محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

## نویسنده:

تقی پورنامداریان - بزرگراه کردستان، خ ۶۴ غربی، پژوهشگاه علوم انسانی

## خلاصه مقاله:

هر سخن گفتنی به شرط حضور سه عامل اصلی متکلم، مخاطب، پیام ایجاد می شود و ادامه پیدا می کند. در گذشته ارتباط متکلم و مخاطب به سبب محدودیت باسوادان و عدم امکان تکثیر متن، شنیداری بود. در دوران معاصر به سبب افزونی باسوادان و امکان تکثیر اثر، این ارتباط نوشتاری شده است. نویسنده، متن را در غیاب خوانندگانی که از اطلاعات و احوال آنان آگاهی ندارد، تولید می کند و خواننده در غیاب نویسنده و غالباً بدون اطلاعات از دانش و احوال او اثر را مطالعه می کند. اگر هر ارتباطی را نوعی از گفتگو تلقی کنیم، گفتگوی نویسنده با خواننده هنگام تولید متن در غیاب خواننده، و گفتگوی خواننده با متن در غیاب نویسنده صورت می گیرد. با توجه به چهار عامل موثر در ایجاد بافت موقعیت تولید متن و مطالعه متن، و تغییر عمیق نگاه انسان به جهان، و تبدیل ارتباط شنیداری به نوشتاری در حوزه ادبیات که امکان تامل خواننده را برای درک متن فراهم می آورد، ضوابط و شگردهای زیبایی شناختی پذیرفته در ادبیات نیز دگرگونی عمیق می پذیرد و از جمله بلاغت که صفت متکلم و کلام محسوب می شد، صفت مخاطب و تاویل مخاطب از اثر می شود؛ زیرا در چنین وضعیتی، متن از اختیار نویسنده خارج می شود و در اختیار خواننده قرار می گیرد. این مقاله با توجه به انواع شعر در دوران کلاسیک، تاثیر نوع مخاطبان بر کلام و متکلم، رابطه صورت و معنا در انواع شعر کلاسیک، و نیز تاثیر ارتباط نوشتاری و تولید اثر در غیاب خواننده، و تغییر بافت موقعیت در نتیجه تغییر وضع عوامل موثر در تشکیل بافت، به پیش می رود و آن گاه با تفسیر و تاویل شعری از نیما به عنوان شاهدی بر مدعا، چگونگی انتقال بلاغت از متکلم - نویسنده به مخاطب - خواننده در نتیجه استقرار وضع جدید ارتباطی، میان نویسنده و خواننده به اثبات می رسد.

## کلمات کلیدی:

بافت موقعیت؛ بلاغت؛ متکلم؛ مخاطب؛ گفتگوی با متن

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1837421>

